

مشروطه چگونه بوجود آمد

فصل اول زمینه سازی برای حکومت ملی در ایران ، در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه قاجار افکار ایرانیان بطرف ایجاد حکومت ملی سوق داده شده بود ، وتفصیل آن را میتوان چنین تشریح کرد .

شاه ایران بعد از مسافرت های مکرر بفرنگ و مشاهده ترقیات روز افزون اروپا در نظر گرفت بعضی اصلاحات اقتصادی و فنی که با حکومت مطلقه ایشان مناقات نداشته باشد مجری دارد .

لذا بعضی مؤسسات فنی از قبیل چراغ گاز و تکمیل کارخانه قورخانه و مطابع حررفی و کارخانه یخ سازی و بعضی امور صنعتی درجه صفر یا درجه چهارم و پنجم اروپا را که ابدأ ربطی به سیاست نداشت در پایتخت فقط بطور نمونه ایجاد کرد ولی بواسطه عدم آشنائی مردم بامور فنی و عدم وجود متخصص دلسوزی هیچیک از امور مذکور فوق پیشرفتی نکرد ، بلکه مبالغ مهمی هم چه بخزانة دولت و چه بتجار و سرمایه داران خسارت وارد آمد .

ناصرالدین شاه که تا این تاریخ با اعزام محصل باروپا جداً مخالف بود و در تمام عمر سلطنت خود سعی داشت که افکار غربیان و تجددخواهی در ایران نشر نیابد تدریجاً تغییر عقیده داد و ب مردم متمکن توصیه نمود که جوانان خود را در اروپا بتحصیل علوم و صنایع وارد نماید و از مساعدتهای لارمه برای پیشرفت امور فنی و صنعتی هم مضایقتی نداشت لذا از سال ۱۳۰۰ هجری قمری ب بعد نه فقط دروازه

فرنک بر ایرانیان گشوده شد بلکه اولیای دولت کمکهای مالی و غیر مالی هم با محصلین مینمودند و از طرفی بواسطه عدم وجود مأمورین سرحدی و یا سد محکم مرزی مردم پیکارايران دسته دسته از گوشه و کنار مرزها خارج واکثرا به بلاد روسیه و عثمانی قدیم رو آورده و بمشاغل تجارت و کارهای دیگر پرداختند .

نتیجه این ارتباط مراجعت اشخاص چیز فهم و نشر بعضی افکار ملی و اصول عدالت و اطلاع از آسایش مردم خارج ایران بسود لذا زمزمه حکومت ملی و لزوم اصلاحات کشور خواه ناخواه در بین مردم انتشار یافت و طرفداران زیادی هم پیدا کرد عمال دولت شوم استبداد هم بیکار ننشسته مردم را بهائی گری متهم کرده و بطرق مختلفه برخی را اعدام و بعضی دیگر را از کشور تبعید نمودند .

بنده یکی از مأمورین فجایع دوره ناصرالدینشاه را نسبت به آزادیخواهان بنام فساد عقیده و بهائی بودن در موطن خود ساوه ملاقات کردم این شخص رئیس فوج قمرود و عرب بود نامش سید محمد علی خان و مذهب علی اللهی داشت نامبرده میگفت عدهای از مردم بیگناه را بنام بهائی گری و حال آنکه آن اشخاص قطعا از بهائی گری بیزار و منتهی درجه تنفر از آن مذهب سیاسی را داشتند شبانه بفوج ما برای اعدام تحویل دادند و با دادن انعام گزاف یککنفر داوطلب در فوج جهت اقدام یافت نشد و برای بلند نشدن سروصدا مقصرین کذائی را بقسمت دیگری انتقال دادند .

اما این اقدام شدید نیز نتوانست جلوی سیل افکار را بگیرد و با قضیه لغو امتیاز رژی در سال ۱۳۰۹ و ۱۰ برای انحصار تنباکو علماء تفوق خود را بر عمال استبداد ثابت و ظاهر کردند که قتل خود ناصرالدینشاه قاجار هم در اثر همان غلیان افکار عمومی بعمل آمده و دنباله همان منازعه ملت و دولت است ولی چون مرحوم مظفرالدین شاه رحمت الله علیه شخص ملایم و متظاهر بمراسم مذهبی بود بسطنت برقرار گردید تا حدی افکار عمومی از جوشش افتاد و در واقع يك صلح موقتی بین دولت و ملت حکمفرما گردید اما افسوس که این ملایمت همان قسم که منافی در آرامش افکار داشت صدها

برابر مضار عمومی را هم متضمن بود .

بدین شرح که درباریان شاه ضعیف‌النفس را آلت قرارداد و باقرضهائی گزاف چند مرتبه او را باروپا بردند ، و همین قرض‌ها پشت ایرانرا در قبال دول جنوبی و شمالی خم نمود استفاده چیان کلیه املاک خالصه را با مبالغ مهمی ارزش به ثمن بخش ضبط کرده و فرمانهای اعطاء و خرید و تیول و عناوین دیگر صادر و خزانه دولت را بکلی خالی کردند .

رفته رفته شعاع اخلاق حسنه و عادات مرضیه شاه متدین و خلیق در ظلمت جهل و غرض اطرافیان ناصالح و درباریان طماع محو گردید و عکس‌العمل این رویه نامطبوع مجدداً افکار عامه را تهییج و دنباله حالت اخیر زمان شاه مقتول طبعاً گرفته شد یعنی مردم شروع به تبلیغ آزادی کردند دولت وقت بمقاومت پرداخت ولی چون سیاستمدار قابلی نداشت که مشروطه‌خواهانرا متهم به بهائیت و بی‌دینی کرده و بعد به قتل و تبعید آنان به پردازد از عهده کار بر نیامد و با انتقال مقام صدارت از شاهزاده عین‌الدوله بمرحوم خلد آشیان مشیرالدوله شاه با مشروطیت و اعطاء قانون اساسی موافقت کرد و بفاصله مدت کمی هم برحمت ایزدی پیوست .

محمد علی شاه قاجار بدو رویه پدر تاجدار و سلیم‌النفس خود را متابعت نمود و متمم قانون اساسی را امضاء کرد اما با کمال تاسف باید گفت که بفاصله مدت قلیلی باز شیاطین انس او را از صراط مستقیم منحرف کردند و به بهانه های بچه‌گانه متوسل شده و مجلس شورایملی که از تاریخ ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ در زمان شاه مغفور مقتوح شده بود در تاریخ ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ بمباران کرد و وعده زیادی از آزادیخواهان را مقتول و محبوس و تبعید از کشور و یا نفی بلد نمود ، و ضمناً وعده داد که قریباً مجلس شورایملی را افتتاح و مشروطه را پایدار خواهد گرد و اینمدت از مشروطه را مشروطه صغیر نامیده‌اند .

آذربایجانیان با عمل محمد علی شاه مخالفت کردند و عمال او را نپذیرفتند و با

قوای عمومی ملی آنها را از شهر تبریز خارج کردند سرداران بختیاری و علماء اصفهان هم لوای هم آهنگی خود را بلند کرده اصفهان وقم را قبضه نمودند ؛ اهالی گیلان نیز بقیادت مرحوم سپهسالار از اطاعت شاه سر باز زدند و مسلحانه بطرف تهران رو آوردند .

بالاخره سرداران بختیاری و مجاهدین گیلان تهران را فتح کرده و در ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۲۷ مجلس شوایم ملی را برای دوره دوم افتتاح کردند و ضمناً محمد علیشاه از سلطنت خلع و مرحوم احمد شاه بسلطنت انتخاب گردید .

گر چه بواسطه این تغییرات اساسی انتخاب نخست وزیر ملی یعنی مرحوم سپهسالار که فاتح تهران محسوب میشد آزادی خواهان آرام شدند ولی تمام کشور در آتش ناامنی میسوخت و هم آهنگی واقعی در بین رجال ملی نبود مگر در موقع خطر در آن موقع نیز کسی مجال اصلاحات را نداشت .

در این تاریخ هیئت دولت تحت نظر هیئت مدیره و تصمیمات این هیئت جنبه قانونی داشته که بعضی از آنها هنوز باعتبار خود باقی است .

ما برای تکمیل تاریخ اسامی نخست وزیران دوره مشروطه صغیر را ذیلامتذکر میثوبیم ولی از جهت تلخیص از ذکر اسامی وزراء قبل از دوره دوم صرف نظر میشود .

در موقع اعطاء مشروطه از طرف مرحوم خلدآشیاں مظفرالدینشاه قاجار طاب ثراه صدارت ایران با مرحوم مشیرالدوله بوده است صلاحیت شخصی و حسن فطرت این شخص اختلاف بین ملت و شاه را مرتفع و اساس مشروطه را با صدور فرمان ملوکانه مستحکم کرد و بعد از کناره گیری مشیرالدوله که مقارن با فوت ایشان نیز شد کابینه رسماً صدریاریس نداشته ولی تقریباً تحت نظر مرحوم کامران میرزا وزیر جنگ انجام وظیفه میکرده اند ، سپس محمد علیشاه میرزا علی اصغر خان اتابک را از فرنگ احضار و بعنوان ریاست وزراء برگزید و سه مرتبه اتابک کابینه خود را ترمیم کرد ، بعد از قتل اتابک مرحوم مشیرالسلطه و ناصرالملک هر یک مدتی زمامدار بودند ،

سپس مرحوم نظام السلطنه مأمور تشکیل کابینه و او هم ۴ مرتبه کابینه خود را ترمیم کرد .

وبعد از استعفا او باز مشیر السلطنه و ناصر الملک و سردار اسعد یکی بعد از دیگری مسئولیت امور کشور را داشتند سردار اسعد هم عنوان نخست وزیرى نداشته است تا نوبت بکابینه مرحوم سعدالدوله رسید .

مرحوم سعدالدوله بحدی در طرفداری از ملت غلو کرده بود که به پدر ملت نامیده شد ولی رقابت های شخصی که بین ایشان و بعضی از رجال دیگر در گرفت نامبرده را از مشروطه خواهان منحرف و طرفدار محمد علی شاه مخلوع قرارداد .

و در کابینه همین شخص بود که مجلس شورای ملی بمباردمان وبسته شد مرحوم سعدالدوله مردی خوش قلب و رؤوف و مهربان بود هیچوقت عقیده جنگ با ملت را نداشت ولی در زمان سلطنت محمد علی شاه اساسا نخست وزیرى و یا صدارت و وزارت معنی نداشته و مرجع کلیه احکام و تصمیمات خود محمد علی شاه بوده است . ناتمام .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آشپزی

طبق تصمیم اداره کل سجل احوال کلمه تشید نام فامیلی منحصر اینجانان میباشد .
و تقاضا داریم که دیگران مزاحمت نمایند .

علی اکبر تشید - مهندس عباس - علیرضا - علی محمد و علینقی
تشید - دکتر محمد اسماعیل - داود - دارا و داریوش تشید - محمد رضا
ومهدی تشید - محمد ولی تشید .